نقدنظر
شماره سوم
مهر و آبان ۱۴۰۴
۴

نقد هنر اسلامی و نگاه انحرافی سنت‌گرایان

شهره جوادی
دکتری تاریخ هنر، غضو هیئت علمی دانشگاه تهران، ایران

سنت‌گرایی رویکردی در فلسفه مدرن است و به مدرنیته و مدرنیسم، ایرادهای اساسی وارد می‌کند. سنت‌گراها معتقد به احیای دانش در معنای قدسی و معنوی هستند. سنت‌گرایی مسیحی-یهودی و سنت‌گرایی اسلامی همه ریشه در شرق‌شناسی انحرافی دارد که یک‌سویه و غیرعلمی، شرق و مسائل شرق و هنر و فرهنگ جهان اسلام را با تفاسیر اشتباه و غیرمنطقی دچار خدشه نموده‌اند.
سنت‌گرایان، متفکرینی هستند که با تکیه بر آئین و طریقت‌های صوفیانه مباحثی را در مبانی نظری هنر و معماری اسلامی و آثار هنری جهان به گونه‌ای احساسی و دور از عقل و استدلال تبیین نموده‌اند. این جماعت غالباً در شمال آفریقا و مصر، از طرفی در هند و شرق دورِ نمونه‌هایی از معماری و هنر اسلامی را دیده و به تفسیر و تعبیرهایی دست زده‌اند که غالباً مطابق واقع نبوده و هرگز به مقایسه و تحلیل هنر جهان اسلام با نمونه‌های آن در ایران به طور دقیق نپرداخته‌اند. در زمینهٔ مسجد و مهراب، تزئینات معماری، مینیاتور، هنرهای سنتی مانند خوش‌نویسی و... آن‌چه گفته‌اند رمز و تمثیل و داستان‌سرایی است که با تقدس‌مآبی گره خورده و جایگاه عقلانی و منطقی ندارد. پرداختن به هنر مسلمانان و ابداع واژهٔ هنر اسلامی از سوی محققان غربی، ابداعی بی‌اساس بوده و کاستی اصلی چنین مطالعاتی، عدم ارائهٔ تعریف روشن با مواضع نظری مشخص در خصوص چنین موضوعی است.
اکثر سنت‌گرایان متفکرینی با مشی اسلام صوفیانه و با تأکید بر رمز و راز به حقیقتی فراطبیعی مشترک و جهانی در بطن سنت‌های دینی باور دارند. این جریان با «رنه‌گنون»

DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1
Email : shjavadi@ut.ac.ir
نشریه مکتب نقدنظر، ۱ (۳): ۹-۴

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1]

آغـاز و بـا «بورکهـارت»، «شـوان»، «کوماراسـوامی»، «لینگـز» و... تـداوم یافـت کـه بـر دین‌شناسـی تطبیقـی معاصـر تأثیرگـذار بـود. در جهـان اسـلام بـا نحله‌هـای عرفانـی و از طرفـی دیگـر بـا آئین‌هـای شـرق دور گره‌خـورده اسـت. ایـن طیـف از نظریه‌پـردازان، آراء خـود را در قالـب معمـاری و هنـر اسـلامی بیـان کـرده و بـا مباحـث غیرمنطقـی و احساسـی چنـان ایجـاد شـبهه و ابهـام نموده‌انـد کـه سـالیانی اسـت جامعـۀ فرهنگـی- هنـری ایـران را دچـار سـردرگمی و پریشـانی نموده‌انـد.

متفکـران سـنت‌گرا در تعریـف و مصـداق سـنت دچـار اشـتباه و انحـراف شـده‌اند؛ چـرا کـه بـه سـنت کهـن و مشـترک بیـن تمـام ادیـان جهـان از اسـلام، مسـیحیت، یهـود و ادیـان شـرقی آسـیا بـاور دارنـد و آن را «جاویـدان خرد-حکمـت متعالیـه» نامیده‌انـد، در حالی‌کـه ایـن تعریـف مغایـر تعریـف سـنت در اسـلام و قـرآن اسـت. چنان‌کـه در سـنت بـودا، مفهـوم خـدا انسـان‌وار بـوده، امـا در ادیـان ابراهیمـی چنیـن نیسـت. وحـدت متعالـی و خـرد جاویـدان بـا هـدف نزدیک‌کـردن تفکـر و باورهـای ادیـان مختلـف امـری سـتوده و ضـروری اسـت، امـا ایـن وحـدت در ادیـان غیرالهـی و الهـی بـه ویـژه در اسـلام و مبانـی قرآنـی یکسـان نیسـت. تفاوت‌هـای شـگرفی میـان بـاور بـه خـدا و سـنت دینـی در ادیـان بودایـی و هنـدو، مسـیحیت و یهودیـت و اسـلام وجـود دارد کـه بـه هیـچ وجـه نمی‌تـوان سـنتی واحـد را در ایـن ادیـان و باورهـا یکـی دانسـت.

مکتب سنت‌گرایان

مکتـب سـنت‌گرایی کـه دیرزمانـی اسـت در زمینـۀ فلسـفه و عرفـان و علـوم دینـی شـکل گرفته،آغـاز آن از غـرب و متفکریـن غربـی بـوده کـه بعضاً مسـلمان شـده و جریانـی را بنیان‌گـذاری نموده‌انـد؛ کـه بعـداً در ایـران نیـز بـه گونـه‌ای ظاهـر شـده و در زمینه‌هـای هنـر و معمـاری اسـلامی جلوه‌گـر شـده اسـت. از آن‌جاکـه پـس از انقـلاب اسـلامی ایـران، بـر مباحـث مربـوط بـه هنـر و معمـاری اسـلامی تأکیـد شـد و ترجمـۀ کتـب و مقـالات سـنت‌گرایان شـرقی و غربـی در ایـن بـاب مـورد توجـه قرارگرفـت. بـه گونـه‌ای کـه بسـیار شـتاب‌زده و بـدون تحقیـق و تفحـص لازم، ترجمـۀ مقـالات، کتـب و گزارشـات کنگره‌هـا و نشسـت‌هایی در بـاب هنـر اسـلامی ترجمـه و منتشـر شـد. اشـاعۀ ایـن مباحـث احساسـی و غیرعقلانـی و بـه دور از شـواهد تاریخـی جامعـۀ دانشـگاهی و محافـل هنـری ایـران را دچـار شـیفتگی و از طرفـی ابهـام و سـردرگمی نمـود کـه سـالیانی دراز ایـن جریـان ادامـه یافـت.

ورود بـه مباحـث هنـر و معمـاری اسـلامی در ایـران و جهـان تبدیـل بـه جریانـی مقـدس و شـگفت‌انگیز شـد کـه در واقـع مُـد روز در جامعـۀ اسـلامی- انقلابـی ایـران شـد. غافـل از این‌کـه ایـن جریـان بـا اهـداف پنهـان، گونـه‌ای از باورهـای اسـلامی را در قالـب هنـر اسـلامی دنبـال می‌کنـد کـه حقیقـت و واقعیـت هنـر اسـلامی در پـرده‌ای از ابهـام و مقدس‌مآبـی فرورفتـه و آن‌چـه آشـکار اسـت را در پـرده‌ای از ابهـام پوشـانیده اسـت.

در ورود بـه مباحـث هنـر و معمـاری اسـلامی، ضـروری اسـت کـه پسـوند اسـلامی صحیـح و دقیـق معنـی شـود. هنـر دوران اسـلامی هنـری اسـت، کـه در گـذر زمـان در ممالـک اسـلامی شـکل گرفـت کـه طبیعتـاً در هـر سـرزمینی بـا پیشـینۀ هنـری آنجـا تلفیـق شـده اسـت، چنان‌کـه در ایـران هنـر و معمـاری اسـلامی- ساسـانی و در سـرزمین‌های بیزانـس هنـر اسـلام و بیزانسـی، در اسـپانیای اسـلامی، اندلـس هنـر اسـلامی- مغربـی و در هندوسـتان هنـر هندویـی- بودایـی بـا هنـر

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1]

اسلامی شکل گرفته است. به تدریج و گذشت زمان و تأثیرگذاری هنرهای ایرانی بر هنر سایر ممالک و ارتباطات فرهنگی هنری، گونه‌ای از تزئینات هنر ایرانی- اسلامی را به دیگر ممالک جهان اسلام صادر نموده است. هنر دوران اسلامی هند آمیزه‌ای از هنر هند و ایرانی است. در واقع هنر سرزمین‌های اسلامی یا هنر و معماری مسلمانان در شرق و غرب عالم، گونه‌ای پالایش بوده به معنی حذف زواید و آنچه با باور دین جدید مطابق نیست و نگاه داشتن آنچه با بینش و باور اسلامی سازگار است. پی‌گیری این مسأله به جهت تاریخی و با شواهد و نمونه‌های موجود از هنر و معماری و تزئینات آن در کشورها جهان اسلام ضروری است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کم‌سوادان و فرصت‌طلبانی به سرعت کتاب‌ها و مقالات این جماعت را ترجمه نموده و اشاعه دادند. «دکتر نصر» و انجمن حکمت و فلسفه در ایران، در این قضیه سهیم و بدعت‌گذار بوده‌اند. متأسفانه در ایران وقتی همه چیز تابع مُد روز است، بحث و نظر جدیدی که مطرح می‌شود، با شتاب‌زدگی و بدون دقت و بررسی، همه به سوی آن هجوم آورده و با شیفتگی و عجولانه آنرا پی می‌گیرند و به تبلیغ و اشاعهٔ آن می‌پردازند. اما پس از مدتی که عوارض سوء آن آشکار می‌شود، به دشواری بتوان از گزند نتیجه خلاص شد.

سنت‌گرایان، تبلیغ دین را برنمی‌تابند، چون به گوهر و اصل مشترک، ثابت و قدسی در ادیان مختلف باور دارند. اینان پیروان ادیان مختلف را تشویق می‌کنند که در دین خود بمانید، چون جوهر و ذات ادیان یکی است و فرقی با هم ندارند. حالا این‌که خداوند برای هر قومی پیامبری نازل کرده مطابق با شرایط آن زمان و سپس پیامبران اولوالعزم، بار رسالت جهانی داشته و در نهایت پیامبر خاتم با معجزهٔ قرآن برای اگاهی بیشتر امت جهانی نازل شده است. در این تفکر انحرافی، سنت‌گرایان چه جایگاهی دارد؟

اینان فروع دین را به اهمیت بعد عرفانی دین نمی‌دانند. از این‌رو تفکر وحدت متعالی ادیان آنها به کثرت‌گرایی می‌انجامد زیرا با این تفکر راه‌های متفاوت و گوناگونی برای رسیدن به حقیقت باز می‌شود. نظریه انحرافی «گوهر حقیقت متعالی» را اولین‌بار «شوان» مطرح کرد و موج انتشار و تطبیق این نظریه با متون اسلام و قرآن به ویژه در ایران توسط دکتر نصر انجام یافت. از آنجا که دیرزمانی است این جریان تأثیر انحرافی و غلط بر جامعهٔ هنری ما و بر افکار جوانان داشته و تدریس و تدوین آن در دانشگاه‌ها هنوز هم رایج است، ضروری است که نقد علمی و منطقی در این باب صورت پذیرد تا حقیقت و واقعیت هنر اسلامی و جایگاه آن در ارتباط با دین اسلام آشکار گردد.

سنت‌گرایان

مکتب سنت‌گرایی در تداوم شرق‌شناسی از دیدگاه غربی‌هاست (رشیدی، ۱۳۹۶). همان‌طوری که شرق را آنها برای ما شناسانده‌اند، مکتب و تفکر سنت‌گرایی هم از همان ریشه می‌باشد. بدیهی است که پژوهش‌گر یا فیلسوف غیرمسلمان که مدتی در مناطق جهان اسلام بوده، بعد مسلمان شده و شیفتهٔ زیبایی و تنوع در جلوه‌های هنر و معماری اسلامی، آن هم در کشورهای شمال افریقا، بعضاً مصر و اندلس، بخواهد نظریه‌پردازی نماید. بدون آن‌که از سیر تاریخی و تحول و دگردیسی هنرها را قبل و پس از ورود اسلام به هر

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1]

سـرزمین و بـدون در نظرگرفتـن دیـن و بـاور پیشـین و هنرهـای بومـی آن آشـنا باشـد. بـا عـدم شـناخت، بـه تبییـن و توصیـف شـعرگونه و بـا چاشـنی آیـات و روایـات، احساسـی برخـورد نمـوده و براسـاس روح یکسـان، سـاری و جـاری در تمـام ادیـان، بـا مبانـی هنـر مسـیحی، بودایـی و هندویـی بـه تبییـن هنـر و معمـاری اسـلامی بپـردازد!!!

سـنت‌گرایان بـه نـدرت هنـر و معمـاری و تزئینـات آن را و هم‌چنیـن هنرهـای سـنتی ایـران را مشـاهدهٔ دقیـق نمـوده و بـه شـکل مقایسـه‌ای بـا هنـر جهـان اسـلام تطبیـق داده‌انـد. در حالی‌کـه مهـد هنرهـای اسـلامی در ایـران بـا تمـدن غنـی و پیشـین آن بـوده و هنرهایـی ماننـد باغ‌سـازی، و تزئیـن کاشـی‌کاری و اصیل‌تریـن نمونه‌هـای خوش‌نویسـی و مینیاتـور، از ایـران بـه جهـان اسـلام صـادر شـده اسـت. شـوربختانه اندیشـمندان سـنت‌گرا، گام در مسـیری انحرافـی و بـه شـکل ناقـص و عجولانـه نهـاده و صـد البتـه در پـی جریانـی سیاسـی- اسـتعماری بـه مباحـث هنـر اسـلامی پرداختـه و سـالیانی اسـت فضـای هنـری ایـران را آلـوده نموده‌انـد. زمان‌هایـی کـه تاکنـون صـرف شـده و تـداوم دارد تـا ایـن دامـن آلـوده پاک‌شـده و بـه سرچشـمه‌های بـاور و هنـر و معمـاری اصیـل ایـران بازگشـته شـود، موجـب اتـلاف وقـت، هزینـه و گمراهـی جوانـان و هنرجویـان شـده اسـت.

خوشنویسی

دربـارهٔ هنرهـای سـنتی، در شـاخهٔ خوش‌نویسـی، سـنت‌گراها، نـگاه متعالـی و فرامـادی دارنـد و یـک منشـأ الهـی بـرای خوش‌نویسـی قائل‌انـد کـه مسـلماً بـا مشـکل مواجـه می‌شـود و موجـب چالشـی اسـت کـه بـه جهـت تاریخـی در ایـن راسـتا، سـیر تحـول و تطـور خوش‌نویسـی عمـل و امـری باطـل تلقـی می‌شـود. مـا پیـش از این‌کـه خـط کوفـی داشـته باشـیم خطـوط دیگـری در شـبه جزیـرهٔ عربسـتان رایـج بـوده؛ حتـی در کوفـه بـه اسـم خـط حجـازی یـا خـط نبـود و.. . بنابرایـن آیـا می‌تـوان خوش‌نویسـی را هنـری مقـدس تلقـی کنیـم؟ یـا بایـد سـیر تاریخـی را بپذیریـم چـون مـا در تاریـخ خوش‌نویسـی مثـل خیلـی از مسـائلی کـه در هنـر سـنتی بـا آن مواجـه هسـتیم بـا مسـائل گمـی و تاریخـی روبه‌روییـم.

سـنت‌گراها غالبـاً ادعایـی غیرمنطقـی و احساسـی را بـا جبـر و تحکـم تحمیل‌کـرده و بـاب هـر گونـه ایـراد و اشـکال را می‌بندنـد! در ایـن عرصـه بسـیاری از سـوءتفاهم‌ها بـه لحـاظ شـناختی باعـث نظریه‌پـردازی شـده اسـت. گـه‌گاه می‌بینیـد اصـلاً مبنـای ادعـا، یـک توهـم بـوده؛ توهـم تاریخـی کـه زمینهـهٔ شـکل‌گیری مقالاتـی بی‌پایـه و اسـاس شـده و ذهـن خواننـده را بـه ابهـام و انحـراف می‌بـرد. گاهـی اوقـات منشـأ، سـلیقه اسـت (ر.ک بـه امانـی، ۱۴۰۴).

تفاوت سنت‌ها

بی‌توجهـی بـه تفـاوت سـنت‌ها بـا یکدیگـر و حتـی اختلافاتـی کـه در درون سـنت‌ها وجـود دارد شـبه‌های بسـیاری را بـه وجـود آورده اسـت. دو روحانـی بـر سـر موضوعـی اسـتنباط متفـاوت دارنـد؛ حـال چگونـه سـنت‌های مختلـف در شـرق و غـرب عالـم و بیـن اقـوام گوناگـون یکـی می‌شـود و دارای یـک جوهـر یـا گوهـر واحـد اسـت و آن حکمـت جاویـدان کـه شـریعت را هـم در آن جایـی نیسـت؟!

مشـکل بعـدی سـنت‌گرایان در بیـان ناقـص و گاه نادرسـت پیشـینه تاریخـی مباحـث و نتیجه‌گیـری

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1]

از شـواهد تاریخـی اسـت. اینـان کثرت‌گرایـی را پذیرفتـه و بـا عـدم روش‌شناسـی درسـتی، منجـر بـه سـوءتفاهماتی شـده‌اند.
ایـن جریـان درعالـم فرهنـگ و هنـر و سیاسـت ریشـه دارد و فقـط یک جریـان فکری محدود نیسـت، بلکـه چنـد جریـان قـوی سیاسـی- تجـاری حامـی آن اسـت. سـنت‌گرایان، عجولانـه و بـا اطلاعـات انـدک، آثـار هنـری را در کشـورهای اسـلامی دیـده و بـا توصیـف و تأویل‌هایـی غریـب و احساسـی و بـه دور از منطـق و حتـی بـدون تطبیـق بـا دوران تاریخـی و صرفاً بـا چنـگ‌زدن بـه معنویـت و عرفـان، آن هـم از گونـهٔ انحرافـی و بـا عبـارات معمـاری و هنـر اسـلامی و «حکمـت هنـر اسـلامی» قلم‌فرسـایی‌ها نمـوده و چنـان سـاحت مقـدس دیـن و هنـر را آلـوده نموده‌انـد کـه سـالیانی اسـت گریبان‌گیـر مجامـع و محافـل هنـری و دانشـگاهی ایـران اسـت.

مینیاتور

دربـاره نقاشـی سـنتی ایرانـی- نگارگـری یـا مینیاتـور کـه پیشـینهٔ آن بـه دیوارنگاری‌هـای پیـش از اسـلام بـاز می‌گـردد، سـنت‌گرایان تعبیـر و تفسـیرهایی دارنـد و ایـن هنـر را کـه در واقـع تصویرسـازی در خدمـت شـعر و ادبیـات بـوده بـه زمـان و مکان‌هـای ماورایـی و غیـر ایـن جهانـی نسـبت می‌دهنـد. بحـث عالـم خیـال و مثـال را پیـش کشـیده و از نـور و ملکـوت و ...ذهـن و قلـب نقـاش عـارف و زاهـد سـخن می‌گوینـد! در حالی‌کـه صحنه‌هـای مینیاتـور ایرانـی طبیعـت و بـاغ و بوسـتان و کاخ و سـراهای معمـول در فضـای ایرانـی را نشـان می‌دهـد. مینیاتـور ایرانـی بیش‌تـر واقع‌گـرا اسـت تـا نمایـش عالـم غیرمـادی و ملکوتـی.

معماری ایرانی– اسلامی

در بـاب معمـاری ایرانـی- اسـلامی نیـز بایـد یـادآور شـد کـه در معمـاری مردمـی و حکومتـی از کاخ و کاروان‌سـرا تـا مسـجد و سـایر اماکـن مذهبـی- اسـلامی ریشـه در پیشـینهٔ هنـر و معمـاری ایـران دارد. در مـورد مسـاجد قـرون اولیـهٔ اسـلامی در ایـران بـر اسـاس شـواهد موجـود و روایـات تاریخـی، الگـوی مسـجد پیامـب (مسـجد شبسـتانی) رایـج بـوده، امـا از قـرن چهـارم و پنجـم هجـری بـه بعـد چارتاقی‌هـا بـه مسـجد تبدیـل شـده و ایـن الگـوی ایرانـی تـداوم یافتـه اسـت. آن‌چـه در جهـان اسـلام و میـان مـردم مسـلمان در تمامـی ملـل جهـان آشـکار اسـت، تزئینـات یکسـان معمـاری اسـلامی اسـت کـه بـه واسـطهٔ منـع نقش‌پـردازی از انسـان و حیـوان موجـب پیدایـش گونـه‌ای از هنـر هندسـی و گیاهـی شـده کـه در تزئینـات هنـر دوران اسـلامی مناطـق مختلـف جهـان آشـکار اسـت. غالـب ایـن شـیوه‌ها از ایـران اسـلامی بـه سـایر نقـاط جهـان رفتـه اسـت. بایـد توجـه داشـت آن‌چـه بـه دیگـر سـرزمین‌ها صـادر شـده، در هـر مـکان و منطقـه بنـا بـر پیشـینهٔ هنـری و فرهنگـی آن‌جـا تغییـر و تحولاتـی داشـته؛ از ایـن‌رو هنـر در سـرزمین‌های مختلـف اسـلام بـا دگردیسـی بـر مبنـای هنـر قبلـی آن‌جـا تـداوم یافتـه اسـت (ر.ک بـه جـوادی، ۱۴۰۳).

موسیقی

در زمینهـهٔ موسـیقی اقـوام و ملـل مختلـف در جهـان اسـلام نیـز سـنت‌گرایان مباحـث و تفسـیر و تأویل‌هایـی بـه دور از واقـع و بـدون شـناخت از سـیر تاریخـی ایـن هنـر اصیـل دارنـد. شـعر و موسـیقی آیینـی کـه از کهن‌تریـن دوران بـا بشـر هـم‌راه بـوده و بـا آواهـای اولیـه و آلات سـاده

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1]

با روح و جان مردم در تماس بوده، در گذر زمان و دوران اسلامی نیز تداوم‌یافته و در واقع همان جنبهٔ مذهبی و مقدس را به گونه‌ای نو بدل نموده است. نقاشی، موسیقی و حتی معماری از کهن‌ترین دوران مقدس و آیینی بوده‌اند. چنان‌که اولین سازه‌ها در کنار سرپناه‌های اولیه نیایشگاه‌ها بوده که در گذر زمان از باور و دینی، به باور و دین جدید، منتقل شده و به حیات خویش ادامه داده‌اند. این امر در سیر تاریخی، با رجوع به آثار و شواهد موجود در جهان آشکار است. دریغا! که سنت‌گرایان از این مهم غافل بوده و به داستان‌سرایی پرداخته‌اند! آنان برای همه چیز ریشهٔ ماورایی و مقدس و برگرفته از سنت قائل‌اند؛ در حالی‌که تعریف و باورشان از سنت امری غلط و انحرافی است. جاودان خِرد و سنت الهی را که ساری و جاری در ادیان و باورهای گوناگون می‌دانند، از اساس به بی‌راهه رفته‌اند. در زمینه موسیقی به جهت تکنیک، معنا و محتوی، اظهارات خلاف واقع و سراسر شبهه و ابهام دارند.

جمع‌بندی

آرای بورکهارت، شوان و نصر، در زمینه‌های مختلف هنر و معماری اسلامی چنان بی‌پایه و اساس است که غیر از انحراف و سردرگمی در مبانی و مصداق‌های هنر اسلامی چیزی را بر نمی‌تابد.

از نمونه‌های این ظهارات به نکات ذیل در باب مینیاتور می‌توان اشاره کرد که بورکهارت می‌گوید:

ـ «آن‌چه که به مینیاتور، زیبایی تقریباً بی‌نظیری می‌بخشد، آن‌چنان که گمان می‌رود صحنه‌ای که تصویر می‌کند نیست، بلکه شکوه‌مندی و سادگی جَو شاعرانه‌ای است که در سراسر آن جریان دارد».

ـ «مینیاتور ایرانی، به‌دلیل خصوصیات معیاری آن می‌تواند برای بیان شهود عرفانی مورد استفاده قرار گیرد. این کیفیت خاص تا اندازه‌ای ناشی از جو شیعی است که در آن حد فاصل میان شریعت و الهام به مراتب کمتر از عالم تسنن است».!؟

مینیاتور تا دوران صفوی که حکام و سفارش‌دهندگان همه سنّی بودند، چگونه در تعبیرات فوق می‌گنجد؟!

نقاشی ایرانی به‌طورکلی هر سوژه‌ای داشته باشد، در باغ و حیاط ایرانی و در دل طبیعت جلوه‌گر شده است (ر.ج به: جوادی۱۳۸۳).

منابع

ـ امانی، حجت‌الله. (۱۴۰۴). نقد آرای سنت‌گرایان در باب خوش‌نویسی اسلامی. *باغ نظر*، ۲۲ (۱۴۸): ۷۹-۸۴.
ـ جوادی، شهره. (۱۳۸۳). منظره‌پردازی در نگارگری ایران. *باغ نظر*، ۱ (۱).
ـ جوادی، شهره. (۱۴۰۳). ضرورت پرداختن به نقد در زمینه هنر و معماری اسلامی. *هنر و تمدن شرق*، ۱۲ (۴۵): ۵.
ـ رشیدی، صادق. (۱۳۹۶). *هنر پیرااسلامی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-24]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.3.1]